



زمان تغییر پارادایم

متن کامل مقاله محمدجواد ظریف در فارین پالیسی:
وزیر امور خارجه پیشین ایران مسیری دیپلماتیک را ترسیم می‌کند

از جبرگرایی تاریخی است. برای ایران، این تغییر از درون آغاز می‌شود و به محیط پیرامونی‌اش تابش می‌یابد. ایران با اثبات اینکه طعمه‌ای آسان نیست و در برابر دو متجاوز مسلح به سلاح هسته‌ای می‌تواند مقاومت کند، این ظرفیت را دارد که این انتقال حیاتی را از رویکردی متمرکز بر مقابله با تهدیدات دائمی به رویکردی معطوف به بهره‌برداری از فرصت‌ها انجام دهد. این گذار نه‌تنها امکان‌پذیر است، بلکه عمیقاً به نفع ایران، منطقه و جامعه جهانی است. تحقق آن مستلزم عزم راسخ داخلی و عدم مداخله خارجی است؛ انگیزه عدم مداخله نه لزوماً اخلاقیات یا حقوق بین‌الملل، بلکه صرفاً منافع ملی است. بزرگترین امکان ایران در مردمش نهفته است. هزاره‌های تاریخ گواه تاب‌آوری خارق‌العاده آنان است. متجاوزان خاک ایران را اشغال کرده‌اند، اما همواره در فرهنگ پایدار ایران جذب‌شده و هرگز نتوانسته‌اند ارزش‌های خود را بر مردم ایران تحمیل کنند. این تاب‌آوری عامل تعیین‌کننده‌ای است که دشمنان ظاهراً برتر را ناکام کرده است؛ از تجاوز عراق در سال ۱۳۵۹ (۱۹۸۰) با حمایت قدرت‌های جهانی تا شراکت اخیر تئانیاهاو و دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا. به همین دلیل است که چهار دهه «فشار حداکثری» و «تحریم‌های فلج‌کننده» نتوانسته به اهداف خود دست یابد.

علی‌رغم محدودیت‌های بی‌سابقه جهانی - از قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد گرفته تا محدودیت‌های صادراتی که عمداً برای جلوگیری از پیشرفت فناوری ایران طراحی شده‌اند - مردم ایران به صورت یومی پیشرفت‌های علمی و فناوریانه، به‌ویژه در حوزه دفاعی و انرژی هسته‌ای را به دست آورده‌اند. بنابراین، مردم ایران سزاوار محدودسازی نیستند، بلکه برترین دارایی کشور هستند که

غرب آسیا در یک نقطه عطف خطرناک قرار دارد. فجایعی که در غزه در جریان است، تجاوز اخیر علیه ایران که با مقاومت مردم و نیروهای مسلح کشور مان دفع شد، و تداوم بی‌ثبات‌سازی سوریه، به وضوح نشان می‌دهد که برای بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و حامیان جهانی‌اش، تنها تهدید به اصطلاح وجودی در واقع «صلح و آرامش» است. این دوگانه‌سازی برای اسرائیل - آپارتاید داخلی و درگیری منطقه‌ای دائمی - بنیان‌های نظم منطقه‌ای و جهانی را تهدید می‌کند. هر چند دفاع قدرتمند ضروری است، اما راه‌حلی پایدار مستلزم یک ابتکار عمل جسورانه دیپلماتیک و یک تغییر تاریخی برای ایران و منطقه است: گذار از پارادایم عمیقاً ریشه‌دار تهدید به پارادایم توانمندساز امکان. این گذار شامل موارد زیر است: گسترش روابط با همسایگان و کشورهای جنوب جهانی، ایجاد یک مشارکت منطقه‌ای جدید در میان مسلمانان غرب آسیا، و ازسریگیری گفت‌وگو با اروپا و ایالات متحده.

مدت‌هاست که کشورهای منطقه در چرخه‌های تعارض و فرصت‌های ازدست‌رفته گرفتار شده‌اند. ساختن آینده‌ای متفاوت نیازمند بصیرت، شجاعت و تصمیمی آگاهانه برای گسست



چرا باید پیامدهای امضای توافق صلح میان ایران و باکو را جدی گرفت؟

ترس واقع‌گرایانه در مواجهه با یک تهدید بالقوه

نگاه
هم‌میهن

قفقاز حاکم شد، سوءاستفاده کرده است. نکته مهم این است که این توافق یک هفته قبل از دیدار دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در آلاسکا امضا شد.

اگرچه روسیه تضعیف شده است، اما همچنان در گرجستان دست بالا را دارد و بنابراین از نظر واشنگتن روسیه هنوز نیرویی است که باید در قفقاز جنوبی با آن رقابت کرد. اما نکته اصلی این است که ایالات متحده - در کنار ترکیه - به طور استراتژیک سعی کرده در درازمدت در امتداد جبهه جنوبی مسکو مستقر شود. توسعه و مدیریت بلندمدت کریدور TRIPP بدون حضور امنیتی قوی ایالات متحده در قفقاز جنوبی نمی‌تواند اتفاق بیفتد. بنابراین آنها که معتقدند این توافق صلح تبعات امنیتی برای ایران نخواهد داشت، احتمالاً در اشتباه هستند. روسیه تنها کشوری نیست که نگران حضور آمریکا در این منطقه است. ایران بیش از هر کسی نگران است. این کریدور تمام طول مرز ایران با ارمنستان را در بر خواهد گرفت. علاوه بر این، این کریدور قدرت بیشتری برای باکو ایجاد می‌کند و ظهور آذربایجان به عنوان قدرت مسلط در قفقاز جنوبی تهدیدی برای ایران به شمار می‌رود. یک آذربایجان قدرتمند در شمال غربی ایران، می‌تواند اثرگذاری بیشتری برای جوامع ترک‌زبان در استان‌های اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی بگذارد. علاوه بر این، ایران به عنوان یک کشور فرامنطقه‌ای در حاشیه دریای خزر، درباره افزایش نفوذ ترکیه که با قدرت یافتن باکو بیشتر خواهد شد، نگران است. قفقاز جنوبی که تا شمال غربی ایران امتداد دارد، بیش از هزار سال، یک میدان نبرد تاریخی اصلی بین ترک‌ها و فارس‌ها بوده است. رقابت میان ایران و ترکیه، پس از آنکه ایران، سوریه را در دسامبر گذشته پس از سقوط حکومت اسد به ترکیه واگذار کرد، حادثه شده است. حالا پس از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل، ایران حق دارد که با توجه به روابط نزدیک باکو با تل‌آویو، در شمال غربی خود احساس آسیب‌پذیری بیشتری بکند.

بنابراین، توافق ارمنستان برای پیگیری طرح TRIPP اوضاع را برای ایران وخیم‌تر می‌کند. حضور طولانی‌مدت ایالات متحده در قفقاز جنوبی به واشنگتن اجازه می‌دهد تا به عنوان یک مرکز رشد، ایران را که در میانه یک گذار سیاست داخلی تاریخی است، تحت نظر داشته باشد. هنوز مشخص نیست که رویکرد ایران در آینده، در حوزه سیاست داخلی و سیاست خارجی به چه سمت و سویی میل خواهد کرد، اما به گواه بسیاری از تحلیلگران، با توجه به شرایط موجود، ایران ناگزیر است که در برخی از استراتژی‌ها و

انحصاری توسعه آن را به واشنگتن واگذار کرد. این کریدور به کنسرسیومی واگذار خواهد شد که خطوط ریلی، نفت، گاز و فیبر نوری و احتمالاً انتقال برق را توسعه خواهد داد.

اگرچه مرحله‌ای نهایی شدن توافق صلح باقی مانده، اما اهمیت ورود آمریکا به این فرآیند را نمی‌توان نادیده گرفت. ایالات متحده اکنون جایگاه مهمی در پیل زمینی بین دریای سیاه و دریای خزر دارد. این منطقه برای مدت زمان دو قرن در حوزه نفوذ روسیه بوده است و حالا واشنگتن به این منطقه وارد شده است. تسلط مسکو بر این منطقه، مدت‌ها قبل از اینکه کرملین در جنگ اوکراین گرفتار شود، رفته رفته کاهش یافته بود. اولین نشانه اصلی این کاهش نفوذ زمانی آشکار شد که جمهوری آذربایجان، با حمایت ترکیه، ارمنستان را در جنگ قره‌باغ کوهستانی در سال ۲۰۲۰ شکست داد و در نتیجه پس از نزدیک به ۳۰ سال، کنترل این منطقه مورد مناقشه را دوباره به دست گرفت.

روابط ارمنستان و آذربایجان با روسیه از آن زمان تاکنون رو به وخامت گذاشته است. ناتوانی روسیه در کمک به ارمنستان در این درگیری، علی‌رغم حضور نظامی قابل توجه‌اش در این کشور، ایران را بر آن داشت تا برای تأمین منافع بلندمدت خود به واشنگتن روی آورد. در همین حال، روابط آذربایجان با ایالات متحده بهبود یافت، زیرا روابط این کشور با روسیه به دلیل سرنگونی یک هواپیمای مسافری در دسامبر گذشته تیره شده بود. بنابراین، این توافق صلح نشان می‌دهد که واشنگتن چگونه از این وضعیت جدیدی که در



عکس: Reuters

آرمین منتظری

مدیر گروه دیپلماسی و بین‌الملل



واکنش‌ها در ایران به توافق صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان توازن نداشته و ندارد. برخی فریاد وامصیبتا سرداده‌اند و انگشت اتهام را به سمت دولت و نیروهای نظامی دراز کرده‌اند و آنها را به بی‌عملی متهم می‌کنند و برخی دیگر نیز به راحتی از کنار این توافق می‌گذرند و اهمیت آن را کم می‌شمارند. اگر از گروه اول سوال کنید که چه پیشنهاد عملی و شدنی برای ممانعت پیشرفت روند توافق آذربایجان و ارمنستان دارید؟ یا از پاسخ در می‌ماند و یا پیشنهاداتی می‌دهند که یا از توان و امکان ایران خارج است و یا عملی شدنشان، کشور را وارد گردابی از تنش در این شرایط خاص می‌کند. از گروه دوم هم اگر بپرسید که چرا تفاوت هستید؟ احتمال بگویند که ارمنستان و آذربایجان دو کشور مستقل هستند و هر توافقی بکنند مانعی توانیم مانع‌شان شویم.

اما توافقی صلح بین آذربایجان و ارمنستان یکی از مهم‌ترین تحولات ژئوپلیتیکی زمان ماست. منطقه قفقاز جنوبی، کشورهای غربی را به قلب اوراسیا متصل می‌کند، بنابراین مشارکت واشنگتن در پایان دادن به این بن‌بست، برای غرب هم فوری بود و هم حیاتی. بهبود روابط با آذربایجان، ایالات متحده را در موقعیتی استراتژیک در رابطه با روسیه و ایران قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که می‌تواند با نفوذ چین در آسیای مرکزی مقابله کرده و حتی تا حدودی این نفوذ را مهار کند. بنابراین این توافق، حتی روی کیفیت روابط ایران با چین نیز اثرگذار است.

الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان و نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان، در ماه مارس به پیشرفت‌هایی در جهت دستیابی به یک توافق صلح دست یافته بودند، اما تا هفته گذشته که در کاخ سفید توافقی را امضا کردند، این پیشرفت‌ها را علنی نکرده بودند. طبق این توافق، واشنگتن کریدور زنگرور را که اکنون مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین‌المللی با TRIPP نامیده می‌شود، مدیریت خواهد کرد. این کریدور از جنوب ارمنستان در امتداد مرز با ایران عبور می‌کند و آذربایجان را به نخجوان متصل می‌کند. ایران در قرارداد اجاره ۹۹ ساله این کریدور، حقوق

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

AL·MONITOR

خطرات مسیر ترامپ برای ایران

واکنش علنی روسیه به طرح «مسیر ترامپ برای صلح و پیشرفت بین‌المللی» محتاطانه بود. ماربا زاخارووا سخنگوی وزارت خارجه این دیدار را «مثبت» خواند اما ضرورت «کمک خارجی» در گفت‌وگوی ارمنستان و آذربایجان را زیر سؤال برد. تحلیلگران می‌گویند این تردید هم ناشی از احتیاط دیپلماتیک است - زیرا مسکو همچنان در حال گفت‌وگو با واشنگتن درباره جنگ اوکراین است - و هم ناشی از فقدان استراتژی آماده برای مقابله با این توافق. توافق سه‌جانبه سال ۲۰۲۰ میان روسیه، ارمنستان و آذربایجان که به جنگ دوم قره‌باغ پایان داد، کریدور زنگرور را تحت کنترل نیروهای امنیتی روسیه قرار داده بود، اما این مسیر عملاً نقش را از بین می‌برد. پشت‌درهای بسته، مقامات اذعان دارند که این تغییر گامی دیگر در جهت از دست رفتن نفوذ روسیه در منطقه‌ای است که مسکو آن را حیاط خلوت امنیتی خود می‌دانست. یک منبع دیپلماتیک روس به المانیتور گفت که مسکو اکنون «اهرام واقعی» برای معکوس کردن این روند را در اختیار ندارد. این طرح همچنین نگرانی‌های راهبردی را برمی‌انگیزد، زیرا می‌تواند ارتباط زمینی ارمنستان با ایران را قطع کند؛ سناریویی که احتمالاً مقامات روس و ایرانی برای جلوگیری از آن متحد خواهند شد. کانال‌های تلگرامی، که روزبه‌روز جایگزین رسانه‌های سنتی روسیه در تعیین دستور کار می‌شوند، به سرعت به بررسی ریسک‌های احتمالی این توافق پرداختند. برای نمونه، کانال «ربار» با ۱/۲ میلیون دنبال‌کننده، ایجاد مسیر ترامپ را «بدترین سناریو» توصیف کرد؛ سناریویی که در آن ایران «از ایران جدا می‌شود»، در حالی که باکو از روسیه فاصله گرفته و به سمت ترکیه و ایالات متحده متمایل می‌گردد؛ کشورهایی که از امضای توافق، رسانه‌های روسی شروع به انتشار دیدگاه‌هایی کردند که لح‌نشان بازتابی از همین کانال‌های سیاسی تلگرام بود. تحلیلگران عموماً توافق TRIPP را بازتابی از برتری نظامی باکو می‌دانند نه نتیجه یک مصالحه دیپلماتیک. سرگئی مارکدونیوف، پژوهشگر ارشد در دانشگاه دولتی روابط بین‌الملل مسکو (MGIMO) وابسته به وزارت خارجه

روسیه، در مجله فوربس روسیه نوشت که این نتیجه برآمده از پیروزی نظامی قاطع باکوست. آندرانیک میگرانیان در روزنامه «مسکوفسکی کومسومولنس» استدلال کرد که توانایی روسیه برای مقابله با مثلث آمریکاترکیه-آذربایجان ممکن است وابسته به تغییر قدرت در ارمنستان باشد. برخی دیگر به تلاش‌های ارمنستان برای اطمینان‌بخشی به مسکو و استفاده از TRIPP برای اهداف راهبردی خود اشاره می‌کنند. کريل کروشيف، دانشمند علوم سیاسی و روزنامه‌نگار، به شبکه RTVI گفت که ایران در حال ارسال این پیام است که این توافق تهدیدی برای منافع روسیه نیست. آندری سوزدالتسف، تحلیلگر سیاسی، در گفت‌وگو با «ایزوستیا» اظهار داشت که پاشینیان چاره‌ای جز حل تقابل با باکو نداشت تا حمایت غرب را جلب کند. رسان‌لن کوربانف نیز در مصاحبه‌ای با «اسپوتنیک» گفت که ارمنستان می‌تواند با موقعیت راهبردی خود به غرب رو کند، حتی با کنار گذاشتن کریدور بین‌المللی شمال-جنوب (INSTC). در چنین سناریویی، مسیرهای جنوبی قطع خواهد شد و ایران در محاصره قرار می‌گیرد. رهبران روسیه و ایران عادت دارند جهان را از دریچه محاصره و فشار غرب ببینند، اما مسکو ممکن است دریابد که فضای پشاوروی — از جمله قفقاز جنوبی — نه «حوزه انحصاری» بلکه عرصه‌ای رقابتی است که نفوذ در آن همواره مورد چالش قرار می‌گیرد. ارمنستان، آذربایجان و گرجستان هر روز بیش از گذشته در صحنه جهانی جسورانه عمل می‌کنند، زیرا تمرکز خود را بر گسترش روابط با قدرت‌های خاورمیانه‌ای برای کاهش وابستگی به روسیه گذاشته‌اند. مسکو باید جایگاه خود را در این نظام ژئوپلیتیک در حال تحول بیابد، به‌ویژه که یکن طلی سه سال گذشته حضور خود را در قفقاز جنوبی گسترش داده است. چین بر خلاف دیگر بازیگران خارجی، نه بر حضور نظامی یا فشار سیاسی بلکه بر سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، پروژه‌های زیرساختی و دیپلماسی چندجانبه‌تکیه می‌کند.